

درک قابلیت اثرگذاری سمن‌ها در توسعه پایدار محیط‌زیستی استان مرکزی به

شیوه پژوهش زمینه‌ای

رویا حسن زاده^۱

محمد حسین اسدی داود آبادی^{۲*}

Assadi2001ir@yahoo.com

علی روشنایی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۸

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به تغییر الگوی چالش‌های زیستی استان مرکزی در سه دهه اخیر و اولویت مدیریت بحران‌های محیط‌زیستی، بهره‌گیری از ظرفیت سمن‌ها به عنوان رویکردی کم‌هزینه و فراگیر ضرورت یافته است. بر این اساس پژوهش حاضر به بازسازی معنایی قابلیت اثرگذاری سمن‌ها در توسعه پایدار محیط‌زیستی استان مرکزی و پیامدهای آن به شیوه پژوهش زمینه‌ای می‌پردازد. **روش بررسی:** جامعه آماری دربردارنده همه فعالان سمن‌های محیط‌زیستی استان مرکزی است که با نمونه‌گیری نظری با ۳۰ نفر از آن‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام یافته است. در تحلیل مصاحبه‌ها از شیوه نظام‌مند استراوس و کوربین بهره گرفته شده است. **یافته‌ها:** از کدگذاری داده‌ها، ۱۱۴ کد اولیه، ۲۸ مقوله فرعی و ۱۱ مقوله اصلی استخراج و در یک مدل پارادایمی شامل شرایط علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها ارائه شد. شرایط علی شامل عوامل ساختار و عوامل کارگزاری، شرایط زمینه‌ای شامل متغیرهای تجارب تلخ در سمن‌ها و شبکه حمایت محیط‌زیستی و شرایط مداخله‌گر شامل مدیریت دانش و فن‌آوری، آموزش و تبادل تجربه دسته‌بندی شدند. فعالان سمن‌های محیط‌زیستی با راهبردهای سازمانی و تعامل با دولت سعی در اثرگذاری بر توسعه پایدار محیط‌زیستی دارند.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاکی است راهبردهای سازمانی در قالب نوآوری، تشویق فعالیت‌های اقتصادی سبز و فعالیت‌های نمادین و راهبردهای تعامل با دولت، از جمله امنیت‌زدایی از فعالیت سمن‌ها، ورود در نهادهای تصمیم‌ساز دولتی و حمایت‌گیری از نهادهای دولتی و مردمی موجب تسهیل دستیابی سمن‌های محیط‌زیستی به اهداف خود در توسعه پایدار محیط‌زیستی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: سمن، سازمان مردم‌نهاد، توسعه پایدار، محیط زیست، پژوهش زمینه‌ای.

۱- دانشجوی دکتری تخصصی رشته جامعه‌شناسی گرایش مسائل اجتماعی ایران، دانشکده علوم انسانی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران.

۲- استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، واحد آشتیان، دانشگاه آزاد اسلامی، آشتیان، ایران. * (مسئول مکاتبات)

Understanding the Effectiveness of NGOs in the Environmental Sustainable Development of the Central Province in Iran by Survey Research

Roya Hasanzadeh¹

Mohammad Hossien Asadi Davood Abadi^{2*}

Assadi2001ir@yahoo.com

Ali Roshanaie²

Admission Date: January 30, 2022

Date Received: December 9, 2021

Abstract

Introduction and objective: Given the shift in biological challenges model in the central province in Iran during the last three decades and the priority of environmental crisis management, utilizing NGOs potential as a non-expensive and universal approach has become a necessity. The present research, based on this fact, aimed at semantical reconstruction of the effectiveness of NGOs in environmental sustainable development of the central province in Iran and its results by survey research.

Material and Methodology: Statistical population includes all active environmental NGOs in the central province with 30 of which semi-structured interviews were carried out. Systematic Struss and Corbin method was used to analyze data.

Findings: From data coding, 114 primary codes, 28 subcategories and 11 major categories were extracted and provided in a survey-paradigm model including causal, intervening, background conditions, approaches and results. Causal conditions including structural factors and agency factors; background conditions including unpleasant lived experiences in NGOs and environmental protection network; and, intervening conditions including knowledge and technological management, training and experience exchange were classified. Activists in environmental NGOs try to influence environmental sustainable development through organizational strategies and interactions with the government.

Discussion and Conclusion: The results showed that organizational strategies in the form of innovation, encouraging green economy activities and symbolic activities and strategies for interaction with government including desecuritizing the activities of NGOs, intervening in decision-making governmental institutions, seeking support from governmental and public institutions help environmental NGOs in achieving their objectives in environmental sustainable development.

Keywords: NGO, Non-Governmental Organization, Sustainable Development, Environment, Survey Research

1-Economic and Development Sociology– Iranian Social Issues Ph. D student, Faculty of Humanities, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran. **(Corresponding Author)*

2-Assistant Professor of Sociology Department, Faculty of Humanities, Ashtian Branch, Islamic Azad University, Ashtian, Iran.

مقدمه

پژوهش حاضر به بررسی و بازسازی معنایی قابلیت اثرگذاری سمن‌ها در توسعه پایدار محیط‌زیستی و پیامدهای آن از منظر فعالان سمن‌های محیط‌زیستی می‌پردازد. واژه «سازمان مردم‌نهاد» یا اختصاراً سمن از واژه انگلیسی به معنای سازمان غیر دولتی (NGO: Non-Governmental Organization) اقتباس شده است. «سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی» به تشکل‌های غیر دولتی، غیر انتفاعی و غیر سیاسی اطلاق می‌شود که از تجمع اشخاص حقیقی سازمان‌یافته، به صورت داوطلبانه طی اساسنامه‌ای مدون با شخصیت حقوقی در زمینه حمایت و حفاظت از محیط زیست در قلمرو تعریف‌شده فعالیت دارند(۱). گرچه انجمن‌های داوطلبانه مردمی در سراسر تاریخ وجود داشتند، اما سازمان‌های غیر دولتی به شکل امروزی در دو قرن اخیر توسعه یافته‌اند. این سازمان‌ها هرچند معمولاً بدون حمایت دولت‌ها در جامعه شکل می‌گیرند، اما دارای تعاملات و ارتباطات دوجانبه با دولت‌ها می‌باشند (۲).

توسعه پایدار بر اساس تعریف «کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (World Commission on Environment and Development)» و گزارش «کمیسیون سازمان ملل در زمینه محیط زیست و توسعه (UN Commission on Environment and Development)» به معنا توسعه‌ای است که نیازهای حال را با لحاظ نمودن توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهایشان تأمین می‌کند (۳). «توسعه پایدار» سه قلمرو محیط زیست (آب و پسماندها)، جامعه (اشتغال، حقوق بشر، برابری جنسیتی، صلح و امنیت انسانی) و اقتصاد (کاهش فقر، مسئولیت صنفی و پاسخگویی) را به هم مرتبط می‌سازد. کنفرانس سازمان ملل در زمینه محیط زیست و توسعه (UNCED) در ریو، توسعه پایدار را به عنوان پاسخی به بحران‌های محیط زیست و توسعه اعلام کرد (۴). در اعلامیه ریو درباره محیط زیست و توسعه آمده است که: «افراد انسانی مستحق زندگی سالم و مولد در هماهنگی با طبیعت هستند و حفاظت از طبیعت باید بخشی جدانشدنی از فرایند توسعه باشد

و نمی‌تواند مجزا از آن مد نظر قرار گیرد» (۵). علاوه بر اعلامیه ریو، امروزه در قوانین اساسی کشورها و اسناد بالادستی مانند منشور جهانی طبیعت و پروتکل پاریس به ضرورت رعایت مسائل محیط‌زیستی تأکید می‌شود، به گونه‌ای که در پیوست پروژه‌های عمرانی پرداختن به آن‌ها الزام‌آور گردیده است (۶-۷).

سازمان‌های مردم‌نهاد در دستیابی به توسعه پایدار از آن جهت می‌توانند نقش‌آفرینی کنند که عنصر مشارکت را تقویت و به تبع آن به گفتمان توسعه حیات جدید می‌بخشند و به واسطه توانمندسازی افراد فاقد قدرت و خاموش، منبع مشروعیت‌بخشی به توسعه هستند (۸-۹). بر همین اساس استفاده از همکاری و مشارکت سمن‌های محیط‌زیستی در جهت تحقق اهداف توسعه پایدار یک خط مشی راهبردی در دستور کار دولت‌ها و سازمان‌های فعال در عرصه محیط‌زیستی قرار گرفته است (۱۰).

سازمان‌های مردم‌نهاد به چهار شکل: تشریح مسائل و دستورالعمل‌ها، مذاکره با سازمان‌های دولتی، یافتن و عملی کردن راه حل‌ها و تأثیرگذاری بر دولت‌ها، سازمان‌های بزرگ و مردم، می‌توانند وضعیت محیط‌زیست را بهبود بخشند (۱۱).

فرض کلیدی ما در این پژوهش آن است که قابلیت اثرگذاری سمن‌ها در توسعه پایدار محیط‌زیستی به عنوان یک ضرورت زمانی قابل تحقق است که شرایط علی، بسترها و عوامل مداخله‌گر شناسایی شوند تا با کنترل آن‌ها موانع، رفع و مسیر اثرگذاری عوامل کمک‌کننده هموار گردد. این شیوه می‌تواند به بازبینی در راهبردها و راهکارها و تقویت آثار بهینه محیط‌زیستی و اجتماعی منتهی شود.

دلایل محدودبودن این مطالعه به سمن‌های محیط‌زیستی استان مرکزی را علاوه بر علایق پژوهشگران در ویژگی‌های محیط‌زیستی این استان به عنوان خاستگاه سوم تنوع زیستی کشور می‌توان جستجو نمود. ۱۲/۲۵ درصد از مساحت این استان در قالب ۱۱ منطقه تحت مدیریت محیط‌زیستی به ثبت رسیده که از بهترین زیستگاه‌ها و پناهگاه‌های حیات وحش کشور محسوب می‌شوند. الگوی چالش‌های زیستی استان

سیاستگذاری‌های این بخش و سرانجام به شکل داوطلبانه در راستای انعکاس فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای فعالیت‌های محیط‌زیستی (۱۴).

- پژوهش جلالی و همکاران (۱۳۹۴ ش.) حاکی است نشانگرهای مورد بررسی در پنج مؤلفه چالش‌های مدیریتی، حمایتی، اجتماعی، ارتباطی و سازمانی قابل طبقه‌بندی بوده و ۷۳/۸ درصد تغییرات چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی را تبیین می‌نمایند.

- پژوهش حجازی و همکاران (۱۳۹۶ ش.) نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنی‌دار چهار مؤلفه دانش زیست‌محیطی، ادراک زیست‌محیطی، نگرش زیست‌محیطی و نیت زیست‌محیطی با رفتارهای زیست‌محیطی بودند.

- نتایج پژوهش پورعزت و همکاران (۱۳۹۶ ش.) نشان می‌دهد بخش دولتی در ایران در مواجهه با سازمان‌های مردم‌نهاد، پنج نوع راهبرد کلی را به کار می‌گیرد: تقابلی، بی‌تفاوتی، ریاکاری، همکاری و زیرساختی. به منظور رسیدن به تعامل اثربخش نیاز است که بخش دولتی به تدریج از سه راهبرد اول فاصله گرفته و در جهت تقویت راهبردهای زیرساختی و همکاری بکوشد.

- نتایج پژوهش بیرجندی فخرآبادی و همکاران (۱۳۹۷ ش.) نشان‌دهنده تأثیر عوامل اهداف، قابلیت‌های مدیریتی، فرهنگ، منابع، سطح بلوغ فناوری آموزشی، فرآیندها، ارتباط با شبکه‌های بیرونی، ساختار، راهبردهای سازمانی، مدیریت دانش و روش‌های آموزشی هستند.

- نتایج پژوهش غمامی و همکاران (۱۳۹۷ ش.) حاکی است در نظام‌های حقوقی سبز، دولت‌ها با توجه به ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد، به این سازمان‌ها امکان مشارکت در مقررات‌گذاری، مشارکت در طرح دعوا و نظارت و پایش اجرای قوانین و مقررات را می‌دهند. در نظام حقوقی ایران برای سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی، نقش قضایی (حق اعلام جرم) و مشارکت در تهیه و تدوین و اجرای برنامه‌های حفاظت از محیط‌زیست پیش‌بینی شده است. با این وجود، کاستی‌ها و استثنائات و همچنین امکان حذف و تغییر فهرست سمن‌های فعال در حوزه محیط زیست توسط مقامات دولتی می‌تواند موجب خدشه در تعهدات دولت و نیل به هدف محیط زیست سالم و سبز شود.

مرکزی در سه دهه اخیر نسبت به گذشته تغییر کرده و علاوه بر حوزه آب، خاک و هوا، بهبود تنوع زیستی و اقدامات مؤثر در حفظ و احیای گونه‌های جانوری و گیاهی نیز از دغدغه‌های مهم این استان است. این استان برنامه جامع محیط‌زیستی با الگوی بومی شده ندارد و به همین دلیل روز به روز، آسیب‌های متنوع‌تری بر پیکر بی‌جان داشته‌های زیستی آن به بهانه توسعه وارد می‌شود (۱۲). یکی از عوامل مهم در تدوین برنامه جامع محیط‌زیستی استان مرکزی، بهره‌گیری از توانمندی‌ها و پتانسیل‌های سمن‌های فعال محیط‌زیستی است.

بر اساس این ضرورت‌ها تحقیق حاضر با اتخاذ رویکرد تفسیرگرایانه به مطالعه تأثیرات سمن‌های محیط‌زیستی بر توسعه پایدار استان مرکزی می‌پردازد. گستردگی و قابلیت اثرگذاری این عوامل و پیامدهای آن بر محیط زیست منطقه چندان شناخته نشده و زیاد مورد عنایت پژوهشگران قرار نگرفته است. بر این مبنای، این پژوهش در پی آن است با به کارگیری روش‌شناسی کیفی و پژوهش زمینه‌ای به بررسی عوامل، بسترها و پیامدهای فعالیت سمن‌ها در دستیابی به توسعه پایدار محیط‌زیستی از دیدگاه فعالان سمن‌های استان مرکزی بپردازد.

پیشینه پژوهش

درباره عوامل مؤثر بر فعالیت‌های سمن‌های محیط‌زیستی چندین پژوهش انجام یافته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- مطالعات دالمدیکو و بافت نشان می‌دهد سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی در برجسته‌کردن مخاطرات ناشی از تغییرات آب و هوایی در میان دولت‌ها به مردم تأثیر چشم‌گیر دارند. آن‌ها بر سیاستگذاری‌ها و رفتار مردم تأثیر می‌گذارند و نقش آن‌ها در تفهیم و انتقال حقایق علمی درباره مسائل محیط‌زیستی به گونه‌ای قابل فهم برای دولتمردان و مردمان محلی در خور توجه است (۱۳).

- پژوهش دمبروسکی حاکی است سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه تغییرات محیط‌زیستی به سه شکل ایفای نقش می‌کنند: ارائه راهکارهایی برای ناملايمات درونی دولت‌ها، تقویت و ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت همه اعضای نظام اجتماعی در

چارچوب مفهومی پژوهش

چارچوب مفهومی پژوهش حاضر در نقش‌آفرینی سمن‌ها بر توسعه پایدار محیط‌زیستی بر محوریت رابطه چهار عنصر اصلی سمن‌ها، محیط زیست، دولت و مردم قرار گرفته است. عنصر محوری در این چارچوب، توسعه پایدار محیط‌زیستی است. توسعه پایدار به معنای توسعه‌ای با تأمین نیازهای حال بدون فداکردن نیازهای نسل‌های آینده، رویکرد جامعی است که ارتقای توسعه را بدون آسیب به محیط زیست و منابع طبیعی مد نظر دارد (۳). برای دست‌یافتن به این هدف مهم نقش سمن‌ها در رابطه بین سه عنصر دولت، مردم و محیط زیست قابلیت تعریف و اجرایی شدن دارد:

رابطه سمن‌ها با دولت: هرچند سمن‌ها، سازمان‌هایی مردمی و غیر دولتی محسوب می‌شوند، اما بدون تعامل با دولت راه به جایی نخواهند برد. دولت‌ها در مواجهه با سمن‌ها در طیفی از همکاری، کنترل، و تقابل و تخصص قرار دارند. فعالیت سمن‌ها در چارچوب قوانین کشور و با تأیید و مجوز دولتی امکان‌پذیر است؛ بر این اساس با وجود داوطلبانه بودن، فعالیت‌ها طی اساسنامه‌ای مدون با شخصیت حقوقی انجام می‌گیرد.

امروزه، موضوع همکاری دولت با جامعه مدنی مبتنی بر شبکه‌سازی و ساختاردهی به شبکه‌های خط مشی، در کانون توجه قرار گرفته، تلاش دولت نه به منزله قدرت فائقه و مسلط و نه به منزله پاروزن یا سکاندار، بلکه به منزله یک میانجی در شبکه ذی‌فعالان بازتعریف می‌شود (۱۵). سازمان‌های مردم‌نهاد، برای جامعه هدفی که دغدغه آن را دارند «سخن می‌گویند»: اقدام می‌کنند» و «از منافع آن محافظت می‌کنند». برخی از این سازمان‌ها، عملیاتی بوده، هدف اصلیشان طراحی و اجرای پروژه‌های مرتبط با توسعه است، در حالی که دسته دیگر، سازمان‌های درگیر حمایت هستند که هدف اصلی آن‌ها دفاع یا ارتقای یک مطالبه و تأثیرگذاری بر خط مشی و رویه‌هاست (۱۶). برخی سازمان‌های غیر دولتی دوره نیز هر دو کارکرد حمایت‌گیری و عملیاتی را انجام می‌دهند (۱۷).

دولت‌ها به خاطر کمبود دانش و مهارت لازم در بدنه کارشناسی، منابع مالی محدود، عدم انعطاف سازمانی، استفاده

- نتایج پژوهش کرمی دارابخانی و همکاران (۱۳۹۸ ش.) بیانگر رابطه مثبت و معنی‌دار چهار مؤلفه رسانه، دانش محیط‌زیستی، نگرش محیط‌زیستی و نیت محیط‌زیستی با رفتار محیط‌زیستی بودند.

- پژوهش بیرجندی و همکاران (۱۳۹۸ ش.) با ارائه مدل نظری مؤلفه‌های سازمانی اثرگذار بر توسعه کارآفرینی برای سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه محیط زیست را به صورت زیر شناسایی نموده است: اهداف سازمانی، قابلیت‌های مدیریتی، فرهنگ سازمانی، زیرساخت‌های سازمانی، منابع سازمانی، سطح بلوغ فناوری، فرایند سازمانی، ارتباط با شبکه‌های برون سازمانی، ساختار سازمانی، راهبردهای سازمانی و مدیریت دانش سازمانی.

- نتایج پژوهش محمدی (۱۳۹۸ ش.) نشان می‌دهد سه عامل عدم توسعه ظرفیتی جامعه محلی، نارسایی‌های مدیریتی، ضعف برنامه‌ریزی و کمبود منابع در سمن و وضعیت نامناسب عملکرد و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای نهاد‌های دولتی، مهم‌ترین موانع و در این میان نیز، عامل‌های عدم توسعه ظرفیتی جامعه محلی و وضعیت نامناسب عملکرد و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای نهاد‌های دولتی بیشترین تأثیر را به عنوان مانع در عملکرد مطلوب و گسترش فعالیت‌های زیست‌محیطی سمن در نواحی روستایی شهرستان دارا هستند.

- نتایج پژوهش محمدی و همکاران (۱۳۹۹ ش.) نشان می‌دهد وضع آموزش محیط زیست سمن‌ها نمی‌تواند تمامی آموزش‌های مورد نیاز شهروندان جهت حفاظت از محیط زیست را برطرف کند. وضع موجود کیفیت آموزش محیط‌زیستی ارائه‌شده توسط سمن‌ها، نیاز به بازنگری دارد.

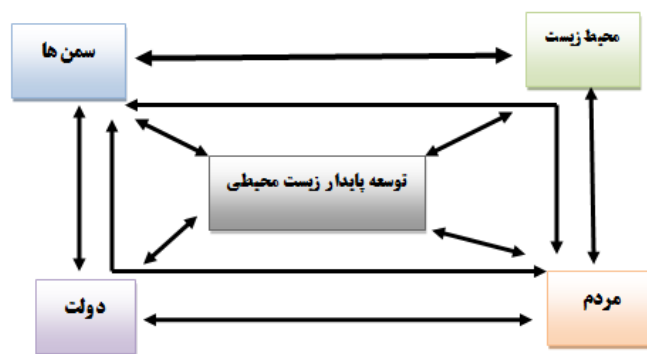
در مجموع پژوهش‌های انجام‌یافته هر کدام از منظر خاصی به عوامل مؤثر فعالیت‌های سمن‌های محیط‌زیستی پرداخته‌اند، اما هیچ کدام از آن‌ها از دریچه اثرگذاری بر توسعه پایدار محیط‌زیستی توجه ننموده‌اند. همچنین از منظر روش‌شناسی نیز پژوهش حاضر از پژوهش زمینه‌ای با رویکرد اشتراک و کوربین بهره گرفته است که در پژوهش‌های مشابه استفاده نشده است و از این نظر این پژوهش نوآورانه است.

بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی، رویکردی کم‌هزینه و فراگیر است. سمن‌های محیط‌زیستی در برجسته‌کردن مخاطرات تغییرات آب و هوایی و تفهیم و انتقال حقایق علمی محیط‌زیستی به گونه‌ای قابل فهم برای مردمان محلی، نقشی کلیدی دارند (۱۳)، زیرا زمانی که مفاهیمی پیچیده همچون پایداری از سوی این سازمان‌ها بیان می‌شوند بسیار باورپذیر و پذیرفتنی جلوه می‌کنند (۲۱).

رابطه سمن‌ها با محیط زیست: سمن‌های محیط‌زیستی، فعالیت‌های خود را بر بسیج مردمی در جهت حمایت و حفاظت از محیط زیست و استفاده مناسب از منابع طبیعی متمرکز می‌کنند تا نسل‌های آینده نیز از آن‌ها بهره‌مند گردند. بروز بسیاری از مشکلات محیط‌زیستی که می‌توان آن‌ها را در سه سطح محلی (آلودگی هوا، خاک و آب) منطقه‌ای (اثرات گلخانه‌ای، فرسایش خاک و جهان تغییرات آب و هوایی، کاهش تنوع زیستی) دسته‌بندی کرد، در دهه‌های اخیر، تصویب اسناد و الزامات بین‌المللی در کنفرانس‌ها و سازمان ملل را در پی داشته است. تأکید این مصوبات بر ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی و حمایت از آن‌هاست.

از دیوانسالاری متمرکز و قانون‌مدار، از انجام فعالیت‌های ضروری بازمانده و نیاز به همکاری سایر نهادها را به خوبی احساس کرده‌اند (۱۸). از سوی دیگر، خط مشی دولت، به ندرت می‌تواند بدون میزانی از مشارکت مدنی در فراگرد تدوین و تصمیم‌گیری، مشروعیت داشته باشد، در نتیجه سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند منافع و علایق شهروندان را در فراگرد خط مشی‌گذاری نمایندگی کنند و خط مشی‌های اثربخش‌تری را موجب شوند (۱۹).

رابطه سمن‌ها با مردم: سمن‌ها به منزله راهکاری نو برای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش از این رو در دنیای امروز اهمیت یافته‌اند که می‌توانند به عنوان حلقه واسط میان حکومت‌ها و مردم، عهده‌دار انتقال خواسته‌های ملت به نظام حکومتی باشند (۲۰). سمن‌ها با رویکرد اجتماعی و مشارکت‌طلبی به دلیل دوربودن از سیستم دیوانسالاری و منفعت‌طلبی با تأثیرگذاری در وضع و اجرای سیاست‌های اجتماعی بازوی قدرتمندی برای دولت‌ها محسوب می‌شوند، زیرا باعث افزایش تعلق خاطر مردم نسبت به مسائل خود شده و دیدگاه‌ها، پیشنهادها و انتقادات مردم را به دولت و نهادهای دولتی انتقال می‌دهند. رویکرد توسعه فرهنگ محیط‌زیستی با



شکل ۱- چارچوب مفهومی پژوهش

Figure 1. The research conceptual framework

و شناخت انسان‌ها از محیط خود باعث می‌شود که تفسیر آنان از زندگی، حوادث و تغییراتی که پیرامون آن اتفاق می‌افتد اهمیت داشته باشد. انسان‌ها نه تنها تابع تام و بی‌چون و چرای طبیعت نیستند، بلکه آن را می‌سازند و معنا می‌بخشند (۲۳).

بر اساس این چارچوب مفهومی می‌توان تفاسیر فعالان سمن‌های محیط‌زیستی را در نقش‌آفرینی برای توسعه پایدار محیط‌زیستی بازسازی نمود. فرایند معنادار شدن کنش‌های اجتماعی در جایی رخ می‌دهد که از نظر گارفینکل به جهان زندگی روزمره یا جهان زندگی طبیعی موسوم است (۲۲). درک

(Grounded Theory)» استفاده شده است. در مردم‌نگاری، محقق مستقیماً در محیط و میدان مورد مطالعه مشارکت می‌کند (۲۶). این روش به سوژه‌های تحت مطالعه امکان صحبت داده و همه واقعیت‌ها را از منظر آن‌ها منعکس می‌سازد. دستیابی به توصیف عمیق در روش مردم‌نگاری نیازمند فنون و ابزارهایی است که به کمک آن بتوان داده‌های گردآوری شده را سازماندهی و تنظیم کرده و به نظریه مبتنی بر واقعیات و داده‌های به دست آمده دست یافت. این نظریه را نظریه زمینه‌ای می‌خوانند (۲۷). در روش نظریه زمینه‌ای فرایند نمونه‌گیری، گردآوری و تحلیل و تفسیر داده‌ها جدا از یکدیگر نیستند (۲۸). نمونه‌گیری این پژوهش نمونه‌گیری هدفمند و یا نظری است. بر این اساس وقتی در مصاحبه با فعالان سمن‌های زیست‌محیطی استان مرکزی به این نتیجه رسیدیم که پاسخ‌های داده شده و یا مصاحبه‌های انجام شده و افراد مطلع به اندازه‌ای به همدیگر شباهت دارند که داده‌های جدیدی در آن‌ها وجود ندارد و پاسخ‌ها تکراری هستند، تعداد مصاحبه‌ها کافی دانسته شد. در این مرحله از گردآوری داده‌ها (اشباع نظری) با ۳۰ نفر از فعالان سمن‌ها مصاحبه انجام یافت. در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات از فن مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. قالب کلی سؤال‌های مصاحبه بر مبنای مدل نظریه زمینه‌ای به صورت کلی و بیشتر با سؤال‌های باز آغاز می‌گردید تا عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای تأثیرگذاری سمن‌ها را بر توسعه پایدار محیط‌زیستی دربر گیرد. جلسات مصاحبه با مدیران سمن‌های محیط‌زیستی استان مرکزی در سال ۱۳۹۹ انجام شد. تحلیل محتوای مصاحبه انجام شده، طی فرایندی منظم و در عین حال مداوم از مقایسه داده‌ها بود و برای این کار از فرایند سه مرحله‌ای کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی استفاده شد:

۱- کدگذاری باز: در این پژوهش، کدگذاری باز پس از مکتوب‌نمودن مصاحبه با فعالان سمن‌ها صورت گرفت، به این صورت که کدهای آزاد شناسایی و به اجزای کوچک‌تری تقسیم

برساخت فعالیت سمن‌ها در راستای تحقق توسعه پایدار محیط‌زیستی را نیز می‌توان با دو مفهوم عادی‌شدن و منطقه‌ای‌شدن گیدنزی توضیح داد. گیدنز معتقد است توالی‌های منظم نمادین و معنادار کنشگران اجتماعی به تدریج در مسیر زمان، سازمان یافته و به یک نظم نهادی یا آنچه ما در جامعه به نهادهای اجتماعی مشاهده می‌کنیم، تبدیل می‌شوند. وی این فرآیند را «عادی‌شدن» می‌نامد (۲۴). رفتارهای عادی‌شده زمانمند افراد، نه تنها در خلال زمان، بلکه در موقعیت‌ها و مکان‌های فیزیکی هم امتداد داشته و همزمان به خلق موقعیت‌های اجتماعی فیزیکی و ملموس نیز منجر می‌شوند. گیدنز این تداوم کنش در مکان را «منطقه‌ای‌شدن» می‌خواند (۲۴). بر اساس این دو مفهوم، برساخت واقعیت در سمن‌های محیط‌زیستی از عوامل زیر تأثیر می‌گیرد:

۱- قواعدی که بر سمن‌ها حاکم است؛ این قواعد هم شامل قوانین دولتی و هم قوانین داخلی سمن‌ها (اساسنامه و قراردادها) است. قواعد عبارتند از «رویه‌های مشترک عمومی‌شده‌ای» که افراد آن‌ها را درک و معنادار کرده و در شرایط گوناگون به کار می‌گیرند (۲۳). قواعد سمن‌ها، فعالان را به رفتارهای پیش‌بینی‌شده‌ای که در دنیای زندگی روزمره تشکیل شده‌اند، مجاب می‌کنند.

۲- منابع در اختیار سمن‌ها شامل منابع مالی، انسانی و اطلاعاتی. منابع، «تسهیلات و امکاناتی» هستند که برای انجام دادن، رخ دادن یا عمل کردن اتفاقات و رویدادها از آن استفاده می‌شود (۲۳).

۳- تعاملات فعالان سمن‌ها با خود، دولت، مردم و طبیعت بر اساس این ساختار و قواعد.

در نهایت، بر هم کنش عنصرهای سمن‌ها، دولت، مردم، و محیط زیست و تأثیرات متقابل آن‌ها بر فعالان سمن‌ها موجب می‌شود برساخت واقعیت موجود شکل بگیرد.

مواد و روش‌ها

روش این پژوهش کیفی بوده و از نوع مردم‌نگاری است (۲۵) و با توجه به ماهیت موضوع در آن از «نظریه زمینه‌ای

می‌شود که به وسیله آن فعالیت‌های سمن‌ها تقسیم، سازماندهی و هماهنگ می‌شوند. تحلیل محتوای مصاحبه‌ها ما را به ساختار سازمانی شامل اهداف، فرهنگ، منابع، و قوانین سازمانی رهنمون ساخت. هم‌راستا با این دسته‌بندی، اکسل و باران از چالش ساختاری سمن‌ها به راهبردهای برنامه ریزی، بودجه بندی، کارگزینی و ساختار اداری اشاره دارند (۳۰).

تحلیل محتوای اساسنامه سمن‌های محیط‌زیستی نشان می‌دهد اهداف این سمن‌ها عام‌المنفعه، معنوی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است که در راستای ارتقای اعتماد سطح اجتماعی جامعه، در صیانت از محیط زیست تدوین شده‌اند. با این همه فعالان سمن‌ها معتقدند به علت تدوین بلندپروازانه اهداف و حتی گاهی کپی‌برداری از اساسنامه دیگر سمن‌ها و عدم در نظر گرفتن منابع، چالش‌ها و فرصت‌ها در تدوین اهداف، میزان تحقق واقعی این اهداف پایین است.

از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان، فرهنگ حاکم بر سمن‌های محیط‌زیستی در موفقیت اهداف آن‌ها نقش اساسی دارد؛ در این معنا تجربه و سابقه سازمان، فرهنگ کار تیمی، فرهنگ نوآوری در سمن، فرهنگ احساس مسئولیت و دغدغه‌مند بودن نسبت به مسائل محیط‌زیستی منطقه، اعتمادسازی درون سمن‌ها، استفاده از افراد راهنما در سمن‌ها از جمله مواردی است که به موفقیت سمن‌ها در تحقق اهداف کمک می‌کند.

هرچه سمن‌ها منابع بیشتری در اختیار داشته باشند، تأثیرگذاری آن‌ها بر توسعه پایدار بیشتر است. این منابع شامل منابع مالی، انسانی، اطلاعاتی، سرمایه و منابع اجتماعی است. سمن‌ها منابع ثابتی برای تأمین نیازها و تحقق اهداف و گسترش فعالیت‌های خود در اختیار ندارند، در نتیجه کارکنان ستادی سمن‌های محیط‌زیستی اغلب از سمن خود، تصویر یک قربانی بیچاره و ناتوان و نیازمند مساعدت را نمایش می‌دهند. این موضوع حتی در سمن‌های دیگر کشورها هم مصادیقی دارد (۳۱).

به اذعان فعالان سمن‌ها، بخش مهمی از منابع مالی آن‌ها از طریق کمک‌های مردمی و خیریه، حق عضویت و کمک‌های مالی اعضا تأمین می‌شود و برگزاری نمایشگاه و فروش نشریه نیز در مواردی می‌تواند کمک کند. پژوهشگران خارجی مانند

و در یک فرایند مقایسه مستمر، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی‌شده و رویدادهای مشابه در یک گروه طبقه‌بندی شدند.

۲- کدگذاری محوری: در این مرحله کدها و دسته‌های اولیه‌ای که در کدگذاری باز ایجاد شده بودند، با یکدیگر مقایسه شدند و ضمن ادغام کدهایی که از نظر مفهومی با یکدیگر مشابه و دسته‌هایی که به یکدیگر مربوط بودند، حول محور مشترکی قرار گرفتند. همچنین در این مرحله، ابعاد پارادایم کدگذاری شامل شش دسته: مقوله محوری، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها شکل گرفت.

۳- کدگذاری انتخابی: در این مرحله از کدگذاری نظریه داده‌بنیاد، یک نظریه از روابط فیما بین مقوله‌های کدگذاری محوری به نگارش در آمد. کدگذاری انتخابی، یافته‌های مراحل کدگذاری قبلی را گرفته، مقوله محوری را انتخاب می‌کند، به شکلی نظام‌مند آن را به دیگر مقوله‌ها ربط می‌دهد، آن روابط را اثبات می‌کند و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، تکمیل می‌کند (۲۹). در این مرحله مقولات استخراج‌شده بر اساس پیوستار و منطق معنایی در قالب خط داستان با یکدیگر در ارتباط قرار گرفتند و در نهایت یک مقوله مرکزی استخراج شد.

یافته‌ها

نتیجه کدگذاری در مراحل مختلف، ایجاد ۱۱۴ کد اولیه، ۲۸ مقوله فرعی و ۱۱ مقوله اصلی بود. در نهایت مقوله‌های اصلی ایجادشده بر اساس پیوستار و منطق معنایی در قالب خط داستان با یکدیگر در ارتباط قرار گرفتند. نتیجه مرحله کدگذاری محوری، رسیدن به مدل پارادایمی پژوهش است.

شرایط علی

شرایط علی آن دسته رویدادها و وقایع هستند که به صورت مستقیم بر پدیده اثر می‌گذارند (۲۸). در این پژوهش عوامل ساختاری و عوامل کارگزاری به عنوان متغیرهای علی دسته‌بندی شدند.

عوامل ساختاری: این دسته از عوامل به الگو یا آرایش یا سازماندهی اجزای مرتبط در سمن‌های محیط‌زیستی مربوط

هیأت مدیره و عدم تمایل اعضای آن به انجام مسئولیت خود در اداره سازمان است. اعضای هیأت مدیره تجربه و یا زمانی کافی برای انجام وظایف محوله را برخوردار نیستند و در نتیجه کارکنان ستادی اغلب تصمیمات را با کمترین و یا بدون حمایت هیأت مدیره اتخاذ می‌کنند. مشکل دیگر ناتوانی در تعریف مرزهای کاری سازمان است. کارکنان میدانی اغلب احساس می‌کنند که منزوی‌اند و حمایت نمی‌شوند. از سوی دیگر برای اجرای دقیق مصالح سازمانی، کارکنان ستادی احساس می‌کنند که باید کارکنان میدانی کنترل شوند (۳۱). لوپس هم معتقد است بیشتر مدیران سمن‌ها را افرادی اداره می‌کنند که خود را قیم آن و مادام‌العمر می‌دانند (۳۴).

شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایطی است که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌شوند تا اشخاص با عمل یا تعامل خود به آن پاسخ دهند (۲۸). متغیرهای تجارب تلخ در سمن‌ها و شبکه حمایت محیط‌زیستی از شرایط زمینه‌ای هستند.

تجارب تلخ در سمن‌ها: منظور از تجربه، اندوخته‌های ذهنی و احساسی است که فرد از نحوه مواجهه با یک رویداد در گذشته دارد. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، انسان در کنش‌ها و واکنش‌های خود درباره مسائل بر اساس تجربیات خود و اطرافیان خود و نتایج آن عمل می‌کنند (۳۵). بیشتر صاحب‌شوندگان معتقدند تجربه خسته‌کننده و پرهزینه تأسیس سمن‌ها، دریافت استعلام‌های متعدد، موازی، پراکنده و مشکل‌آفرین، عدم تمایل دستگاه‌های دولتی به صدور استعلام از شبکه مجازی و تجربه تلخ الگوریتم ده مرحله‌ای تأسیس سمن، احساسی منفی در دیگر افرادی که قصد ورود به این عرصه داشته‌اند، ایجاد کرده است.

شبکه حمایت محیط‌زیستی: منظور از شبکه حمایت محیط‌زیستی عبارتست از مجموعه کمک‌ها و حمایت‌های ابزاری، عاطفی و اطلاعاتی که فعالان سمن‌ها برای ایفای موفق وظایف محوله از ناحیه مردم، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان جامعه دریافت می‌کنند. موفقیت محیط‌زیستی سمن‌ها بدون شبکه

وبلایین نیز به مشکل تأمین منابع انسانی در سمن‌ها اشاره دارند (۳۲). اغلب این سازمان‌ها از بعد توسعه منابع انسانی ضعیف‌اند و از ساختار یا برنامه‌هایی برای توسعه کارکنان برخوردار نیستند (۳۱). دیگر پژوهشگران نیز روی کیفیت ضعیف آموزش‌ها و فقدان مشوق‌های آموزشی کارکنان سازمان‌های مردم‌نهاد صحه گذاشته‌اند (۳۳).

سمن‌ها برای پیشبرد اهداف و فعالیت‌های خود مجبورند از قوانینی پیروی کنند، بخشی از این قوانین در آیین‌نامه تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی در سال ۱۳۸۴ به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی در کشور اجرایی شده است. با این همه فعالان سمن‌ها معتقدند روند طولانی و پیچیده قانونی تأسیس سمن، ناکارآمدی آیین‌نامه تأسیس سمن‌ها، عدم تصویب قانون نظام جامع تأسیس سمن‌ها تا سال ۱۳۹۹ در مجلس شورای اسلامی نشان‌دهنده چالش‌های جدی برای فعالیت آن‌هاست.

عوامل کارگزاری: منظور از عاملیت یا کارگزاری، ظرفیت فعالان سمن‌ها برای کنش اجتماعی مستقل و انتخاب‌های آزاد می‌باشد، اما کنش‌ها و انتخاب‌های آزاد با عوامل ساختاری سمن‌ها محدود می‌شوند. مهم‌ترین چالش کارگزاری از دیدگاه فعالان سمن‌های محیط‌زیستی، فقدان یک مدیریت جامع و مشخص، فقدان تجربه و آمادگی مدیریت در حوزه محیط زیست، فقدان رغبت مؤسسان سمن‌ها به مدیریت مشارکتی و منعطف و عدم توجه به چندبعدی‌بودن مباحث محیط‌زیستی است. این شیوه مدیریت در تضاد با نوآوری و ایده‌های جدید و مناسب محیط‌زیستی است که به علت عدم شناخت بازار و محیط کسب و کار و عدم توانایی در شبکه‌سازی و تعامل با دیگر نهادها مانع از نقش‌آفرینی مؤثر سمن‌ها در اهداف توسعه پایدار می‌شود.

موسکا یکی از مهم‌ترین مشکلات سازمان‌های مردم‌نهاد را در زمینه فرآیند تصمیم‌گیری می‌داند. این مسأله بیشتر بین کارکنان و مؤسسان است، به خاطر انتظارات کارکنان یا اعضای که در تصمیم‌گیری‌ها خود را هم اندازه مؤسسان می‌دانند. مشکلی دیگر مربوط به رابطه بین هیأت مدیره و اعضای ستادی در نحوه اداره سازمان است. این مشکل بیشتر ناشی از ناتوانی

شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر آن‌هایی هستند که جریان وقوع پدیده را تخفیف، تشدید یا به نحوی تغییر می‌دهند (۲۸). مدیریت فن‌آوری و آموزش و تبادل تجربه، شرایط مداخله‌گر در پژوهش حاضر هستند که هرچند به طور مستقیم بر پدیده اصلی اثر نمی‌گذارند، اما می‌توانند با تأثیر بر عوامل اصلی، اثر آن‌ها را بر توسعه پایدار محیط‌زیستی بیشتر کنند.

مدیریت دانش و فن‌آوری: دانش بیشتر سمن‌های محیط‌زیستی برای مقابله با چالش آموزش اندک است (۳۸). تحلیل مصاحبه‌ها نشان از سطح پایین آمادگی فناوری اطلاعات در سمن‌ها دارد که شواهد آن را در به روز نبودن فن‌آوری مورد استفاده در سمن‌های محیط‌زیستی، مدیریت ضعیف ذخیره و مستندسازی دانش، عدم مدیریت به کارگیری دانش‌های تولیدشده در سمن‌های محیط‌زیستی، عدم توجه به انتشار نشریات و مقالات پژوهشی می‌توان یافت.

آموزش و تبادل تجربه: نقش آموزش در توسعه آگاهی عمومی توسط سازمان‌های غیر دولتی بسیار مهم است. بدون عنصر آموزش، سازمان مردم‌نهاد در اعمال نفوذ برای تحول در سیاست‌های عمومی و ادراک عمومی موفق نیستند. این آموزش هم شامل دانش به روز محیط‌زیستی مرتبط با فعالیت سمن‌ها برای اعضای آن می‌شود و هم به انتقال بخشی از آن به مردم متناسب با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی آن‌ها می‌شود. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان برگزاری نشست‌های مستمر، هدفمند و متناسب با شرایط روز با زمانبندی مناسب و ارائه خدمات مشاوره‌ای نیز در شتاب‌بخشیدن به حرکت سمن‌ها به هدف توسعه پایدار محیط‌زیستی مؤثر خواهد بود.

راهبردها

راهبردها کنش‌های عمدی و هدفمندی هستند که برای حل یک مسأله، یا در پاسخ به رویدادها، موقعیت‌ها و شرایط موجود صورت می‌گیرند (۲۸). سمن‌های محیط‌زیستی در مسیر تحقق‌بخشیدن به نقش خود در توسعه پایدار با چالش‌های سازمانی، آموزشی و رابطه با دولت مواجهند. بر این اساس

حمایتی بسیار دشوار است. مؤلفه‌های شبکه حمایت محیط‌زیستی شامل سه مورد است:

۱- حمایت اجتماعی: حمایت می‌تواند با پیشگیری از وقوع موقعیت‌های پرتنش، افراد را مورد حفاظت قرار داده و به آن‌ها کمک کند تا وقایع پرتنش را به صورتی ارزیابی کنند که جنبه تهدیدکنندگی کمتری داشته باشند (۳۶).

منظور از حمایت اجتماعی، کیفیت ارتباط با دیگران است که با فراهم‌آوردن منابعی در مواقع مورد نیاز باعث ایجاد احساس مراقبت، تعلق و خودارزشمندی در فرد می‌شود. همچنین فرد احساس می‌کند در بخشی از شبکه وسیع ارتباطی قرار دارد و می‌تواند به خوبی با عوامل تنش‌زا مقابله کند (۳۷).

فعالیت سمن‌ها نه در خلأ، بلکه در بستر اجتماعی شامل فرهنگ جامعه، آداب و رسوم و عرف جامعه شکل می‌گیرد. از دیدگاه فعالان سمن‌ها، سطح تحصیلات پایین و ضعف در آگاهی زیستی مردم، فقر اقتصادی و فرهنگی عاملی مهم در پایین‌بودن ظرفیت نظام اجتماعی در پذیرش ایده‌های حفاظت محیط‌زیستی می‌شود، در نتیجه از دید مردم ایده‌های حفاظت محیط‌زیستی بازده مطلوبی ندارند و بر این اساس با تبلیغات منفی و ضد فعالیت‌های سمن‌ها و عدم همراهی مسئولان دینی با برنامه‌های سمن‌ها شاهد عدم اطمینان مردم به انجمن‌های غیر دولتی و تکیه صرف بر دولت هستیم.

۲- حمایت مالی: سمن‌ها در تأمین منابع مالی از طرف نهادهای دولتی و مردمی مورد حمایت آنچنانی قرار نمی‌گیرند. حمایت موردی نیکوکاران و حمایت ناچیز دولت با وام‌های موردی بانکی فقط بخشی از نیازهای آن‌ها را برای تداوم فعالیت‌ها تأمین می‌کند.

۳- حمایت ارتباطی: حمایت از سمن‌ها منوط به ایجاد شبکه‌ای از افراد است که به صورت مداوم با مدیریت در ارتباط باشند. حمایت ارتباطی از طریق گسترش فالیتهای فرهنگی - محیط‌زیستی، ایجاد ارتباط با نهادهای دولتی، ایجاد شبکه‌های اجتماعی بین گروه‌های همسان و حمایت رسانه‌ای قابل تحقق است، اما تحلیل مصاحبه‌ها نشان‌دهنده چالش‌های جدید سمن‌ها در حمایت ارتباطی است.

برای مشارکت سمن‌ها از طریق سه شیوه برخورد ریاکارانه، بی‌تفاوتی و تقابل محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. در برخورد ریاکارانه، فعالیت سمن به صورت انحراف از عرف اجتماعی و اصول مذهبی معرفی می‌شود. همچنین تشکیل سمن توسط افراد درون ساختار قدرت و به سفارش دولت نیز شیوه دیگری در این راستا است. در شکلی دیگر دولت به سمن‌ها باج می‌دهد تا ضعف عملکرد دولت را مخفی نگه دارند، اما بی‌تفاوتی نهادهای دولتی با عدم برپایی نمایشگاه از فعالیت‌های سمن‌ها، عدم تقدیر از سمن‌های فعال، خودسانسوری در امکان حمایت از سمن‌ها نمود پیدا می‌کند.

شدیدترین شکل ممانعت دولتی، تقابل با سمن‌هاست. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان اینکار با شیوه‌های چون محدودکردن مشورت با سمن به موضوع مشارکت شهروندی و نه موارد تخصصی محیط زیست، دسته‌بندی کردن سمن به همسو و غیر همسو با دولت، عوامل بیگانه دانستن‌ها سمن، تحریک دستگاه‌های امنیتی در حفظ منافع نهادهای دولتی در برابر سمن‌ها، محدودکردن بودجه سمن‌ها به خاطر نگاه امنیتی، محدودساختن همکاری اجرایی با سمن به وسیله رویه‌های دیوانسالاری، حساس‌بودن به ارتباط سمن با سازمان‌های بین‌المللی، مقاومت مدیران دولتی برای رسمیت شناخته‌شدن سمن‌ها در مشارکت، رقیب انگاشتن سمن توسط مدیران دولتی انجام می‌گیرد.

سمن‌های محیط‌زیستی برای مقابله با چالش تقابلی دولت، مجبورند راهبرد تعامل را در پیش بگیرند. از دیدگاه فعالان سمن‌های محیط‌زیستی، یکی از شیوه‌ها در این راستا، متقاعدنمودن بخشی از بدنه دولت مانند وزارت کشور و سازمان حفاظت محیط زیست در گفتگو با نهادهای امنیتی و تضمین امنیت سمن به وسیله مجوز وزارت کشور در برابر بخش‌هایی از حاکمیت است. این کار می‌تواند به فراهم‌کردن امنیت روانی برای فعالیت سمن‌ها کمک کند. برخی مصاحبه‌شوندگان نیز معتقدند ورود سمن‌ها در نهادهای تصمیم‌ساز دولتی می‌تواند بسیار مؤثر باشد، از جمله دادن کرسی به سمن‌ها با حق رای در شوراهای عالی و تصمیم‌گیری ملی و استانی (سازمان جنگل‌ها).

راهبردهای سمن‌های محیط‌زیستی بر این سه چالش عمده متمرکز شده است.

راهبردهای سازمانی: با تحلیل مصاحبه‌ها، راهبردهای سازمانی به شیوه‌های نوآوری، فعالیت‌های اقتصادی سبز و فعالیت‌های نمادین مربوط می‌شود. از دیدگاه فعالان سمن‌ها، توجه به نوآوری در مدیریت، آموزش، تکنولوژی‌های رسانه‌ای و بخش‌های مختلف سمن‌ها می‌تواند سمن‌ها را از رکود خارج کند، هرچند سمن‌ها سازمان‌هایی غیر انتفاعی‌اند، اما مسائل اقتصادی عنصری مهم و کلیدی در فعالیت آن‌ها است. برخی فعالان معتقدند اتکای صرف سمن‌ها به حمایت‌های دولتی و مردمی آن‌ها را در وضعیت انحلال قرار می‌دهد. بر این اساس، این نهادها باید با ارائه مشاوره‌های لازم در راستای توسعه کسب و کارهای محیط‌زیستی و توجه به شیوه‌های جدید بازاریابی محصولات سبز و همگام با حفاظت محیط زیست، تشویق سرمایه‌گذاری مردم در راستای حمایت از محیط زیست و محصولات سبز، ضمن عمل به نقش ذاتی خود برای رونق خود درآمدهایی در اختیار داشته باشند.

برخی فعالان نیز به فعالیت‌های نمادین به عنوان راهبردی اشاره دارند که سمن‌ها با بهره‌گیری از آن‌ها می‌توانند افکار عمومی و سیاستگذاران اجتماعی را نسبت به مسائل محیط‌زیستی حساس سازند، از جمله این فعالیت‌ها می‌توان به بهره‌گیری از روش‌های مخالفت آگاهانه نسبت به برخی مصوبات مجلس و دولت (در راستای حمایت از محیط زیست) مانند نوشتن طومار، شرکت در راهپیمایی‌های آرام، تجمع اعلام هشدار، تشکیل کلاس‌های آموزشی، تهیه بروشور، تشکیل جلسات نقد و تفسیر کتاب‌های مختلف و تألیف کتاب با محوریت حفاظت از محیط زیست اشاره نمود.

راهبردهای تعامل با دولت: از نگاهی مهم‌ترین چالش سمن‌ها در تعامل با نهادهای دولتی ظاهر می‌شود. اکسل و باران، نوع رابطه سمن‌ها با سازمان‌های دولتی را از جمله چالش‌های برون سازمانی می‌دانند (۳۰). برخی پژوهشگران معتقدند رویارویی سمن‌ها با کارشکنی و ضدیت‌های سازمان‌های دولتی موجب دشواری ارزشیابی فعالیت‌های آن‌ها می‌شود (۳۸). بخش دولتی،

پیگیری تحقق اهداف توسعه پایدار، ارتقای آگاهی عمومی و دانش محیط‌زیستی گروه‌های مختلف سنی به ویژه بومیان محلی، ارتقای فرهنگ مطالبه‌گری در عرصه‌های محیط‌زیستی در میان اقشار مردم از مهم‌ترین پیامدهای نقش‌آفرینی سمن‌ها است. تقویت جنبش مردمی مبارزه با آلودگی هوا در کلان شهر اراک در سال ۱۳۹۲ و تقویت فرهنگ حفاظت از محیط پاک از سال ۱۳۸۹ و ارتقای دانش عمومی و فرهنگ مطالبه‌گری در راستای اجرای حقوق شهروندی از سال ۱۳۹۲ از پیامدهای عملی ترغیب مشارکت‌های مردمی است.

پیامدهای بازخوردی: برخی فعالان محیط‌زیستی اشاره نموده‌اند فعالیت‌های سمن‌های محیط‌زیستی شهر اراک موجب حساس‌شدن سیاستگذاران اجتماعی کشور و فعالان رسانه‌ای شده است. دریافت بازخورد مثبت از معاونت ریاست جمهوری در سطح ملی (یک مورد)، استانداری (یک مورد)، دریافت بازخورد مثبت از مقامات محلی (دو مورد) و دریافت بازخورد مثبت از مطبوعات محلی (سه مورد) از جمله این پیامدهای بازخوردی است.

پیامدهای محیط‌زیستی: از دیدگاه فعالان سمن‌ها، مهم‌ترین پیامد فعالیت سمن‌ها در بعد محیط‌زیستی است. در بخش کاهش آلاینده‌ها و پسماندها شاهد کاهش دادن آلاینده‌های هوا و بهبود مدیریت پسماند در کلان شهر اراک از سال ۱۳۹۲ بوده‌ایم. در بهبود محیط پاک و حفاظت از زیست بوم نیز بهبود حفاظت از زیست بوم تالاب میقان اراک از سال ۱۳۹۰، بهبود مدیریت و نگهداری سگ‌های ولگرد در اراک از سال ۱۳۹۰ مد نظر قرار گرفته است. در توسعه فضای سبز نیز شاهد توسعه محیط زیست و فضای سبز منطقه و حفاظت از آن از سال ۱۳۸۸، بهبود مدیریت آب و آبخیزداری منطقه و توسعه فضای سبز در سطح استان به روش‌های درخت کاری، کشت بوته‌های مراتعی، و اصلاح بذر بوده‌ایم.

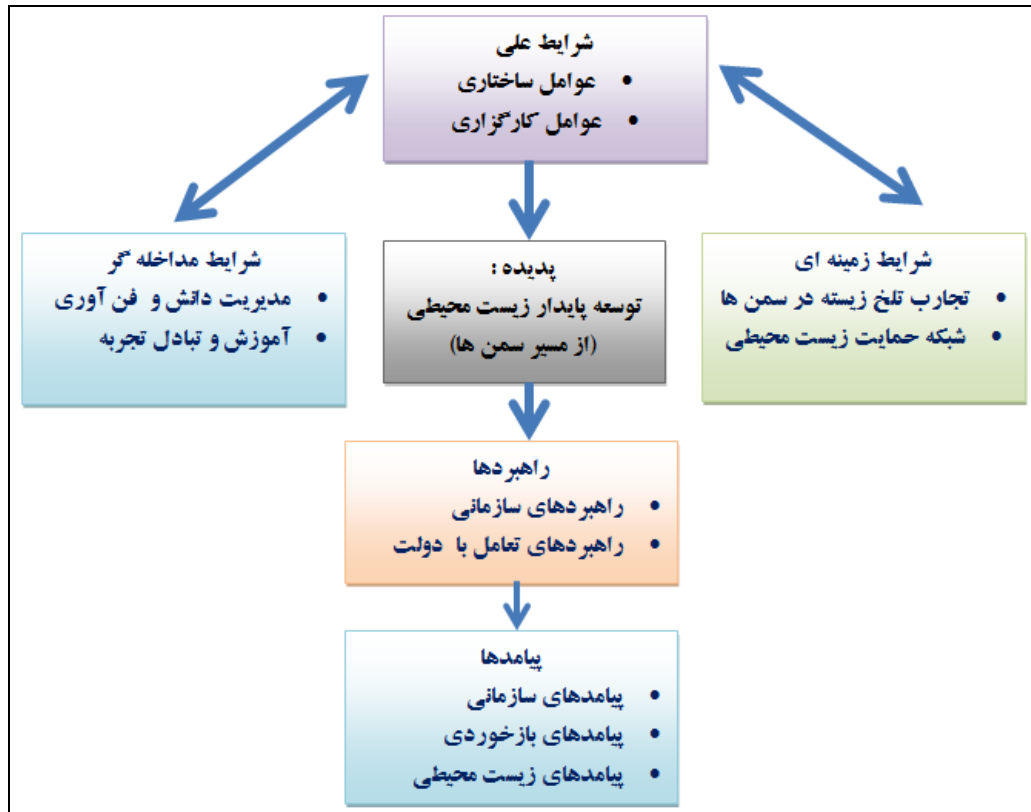
برخی نیز به حمایت‌گیری سمن‌ها از دولت در امور مختلف از جمله تبلیغات رسانه‌ای و استفاده از برند نهادهای دولتی و مکاتبه یک بخش دولت با دیگری برای حمایت از مطالبه سمن‌ها تأکید دارند. حمایت مالی دولت از سمن‌ها به شیوه‌هایی چون مشارکت‌دادن آن‌ها در اجرای پروژه‌های دولتی یا واگذاری اجرا به صورت مناقصه، رسمیت‌بخشی به تعامل در قالب قرارداد و معافیت مالیاتی آن‌ها و اختصاص دفتر کار می‌تواند محقق بشود.

برخی نیز معتقدند بعد دیگر این حمایت با برگزاری همایش با حضور مقامات از سه قوه، و رسیدگی به شکایات سمن‌ها امکان‌پذیر است. انتقال تجارب سایر کشورها به سمن‌ها توسط دولت، و کمک دولت در انتقال تجارب سمن به همدیگر با جشنواره تجارب موفق نیز بعد دیگر حمایت‌گیری سمن‌ها از دولت می‌تواند باشد.

پیامدها

آخرین مقوله در فرایند کدگذاری محوری، پیامدها یا نتایج اعمال یا تعامل‌ها و کنش‌ها هستند. می‌توان گفت هرچا انجام یا عدم انجام عمل/ تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسأله‌ای یا به منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهایی پدید می‌آید (۲۸). پیامدهای نقش‌آفرینی سمن‌ها در توسعه پایدار محیط‌زیستی را می‌توان در ابعاد سازمانی، بازخوردی و محیط‌زیستی خلاصه نمود.

پیامدهای سازمانی: ایفای نقش‌های مؤثر سمن‌ها هم در بخش دولتی و هم مردمی و محیط‌زیستی پیامدهای مثبتی به همراه خواهد داشت. مصاحبه‌شوندگان به بخشی از این پیامدها اشاره کرده‌اند. در بخش دولتی، ذوب‌شدن یخ تعاملات بین سمن‌ها و دولت و ایجاد تفاهم بین آن‌ها و تأمین زیرساخت برای پیگیری تحقق اهداف توسعه پایدار از پیامدهای اصلی است. در بخش مردمی نیز جلب مشارکت‌های مردمی در



شکل ۲- مدل نهایی پارادایمی مربوط به توسعه پایدار محیط‌زیستی (از مسیر سمن‌ها)

Figure 2. The final paradigm model of environmental sustainable development (starting from NGOs)

بحث و نتیجه‌گیری

توسعه پایدار محیط‌زیستی را به مثابه پدیده‌ای با مختصات و جنبه‌هایی تلقی می‌کنند که جلوی تأثیرات مخرب محیط زیست را می‌گیرد تا نسل‌های آینده نیز از آن بهره‌مند گردند، اما این مختصات نه فقط در سیاست‌های محیط‌زیستی، بلکه در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی نیز باید پیگیری شود.

فعالان سمن‌ها پیامدهای مثبت سازمانی مانند تفاهم با نهادهای دولتی، افزایش مشارکت و آگاهی محیط‌زیستی مردم و پیامدهای بازخوردی در سطوح ملی، استانی و محلی و پیامدهای محیط‌زیستی را در کاهش آلاینده‌ها و مدیریت پسماند، بهبود محیط پاک حفاظت از زیست بوم و توسعه فضای سبز، نتیجه راهبردهایی می‌دانند که در صورت کاربست تدابیر سازمانی و تعامل با دولت تعمیق خواهد یافت.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد رویکرد توسعه پایدار با بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی، رویکردی کم‌هزینه و فراگیر است که می‌تواند بستری مناسب برای حفاظت از

مقوله‌های مرتبط با تأثیرگذاری سمن‌ها بر پدیده توسعه پایدار محیط‌زیستی را می‌توان پس از بازبینی در مدل نهایی پارادایمی قرار داد که در آن تفسیر و درک فعالان محیط‌زیستی سمن‌ها، شرایط و بسترهای نقش‌آفرینی سمن‌ها در توسعه پایدار محیط‌زیستی بازتاب یافته است. این مدل پارادایمی نشان می‌دهد قابلیت اثرگذاری سمن‌ها بر توسعه پایدار محیط‌زیستی تحت تأثیر یکسری شرایط خاص در سه دسته‌ای، زمینه‌ای و مداخله‌گر محقق می‌شود. شرایط علی شامل عوامل ساختاری و عوامل کارگزاری، شرایط زمینه‌ای شامل متغیرهای تجارب تلخ زیسته در سمن‌ها و شبکه حمایت محیط‌زیستی و شرایط مداخله‌گر شامل مدیریت دانش و فن‌آوری، آموزش و تبادل تجربه دسته‌بندی شدند.

فعالان محیط‌زیستی، این شرایط را در دیالکتیک تأثیرات ساختارهای سازمانی سمن‌ها، نهادهای دولتی و محیط زیست و کنش‌های عاملین انسانی این ساختارها درک می‌کنند. آن‌ها

- (1987), *Our Common Future*, New York & Oxford: Oxford University Press, p.43.
4. United Nations., (1992), *Agenda 21*, Rio de Janeiro, Retrieved from: <http://www.un.org/esa/sustdev/documents/agenda21/index.htm>.
 5. United Nations Conference on Environment and Development (UNCED). (1992), *Agenda 21*. Rio de Janeiro, June 3-14.
 6. Walhagen, M., (2018), *Gender differences in Environmental perspectives among urban design professionals*, Gavle Sweden: University of Gavle Sweden.
 7. Damghani, M., Abdoli, GHR., and Bahmanpour, H., (2017), *Recognizing the Environmental Activists' and Experts' Opinions on the Legal Position and Role of Iranian Environmental NGOs*, *Journal of Research in Arts and Humanities*, Vol.2, No.4, pp.9-22. (In Persian)
 8. Rahnem, M., (1999), *Participation in: the development Dictionary* Edited by wolcancy saches, London: Zeb Books Ltd.
 9. Homayouni Babi, M., (2012), *Studying the Factors Effecting on Women' Social Partnership in Mazandaran Province Production Cooperation*. M.A. Thesis, Payam-e Noor University, Tehran: West Branch. (In Persian)
 10. Jalalian, A., (2020), *Feasibility Study of Developing the Concept of International Crime to Environmental Crime with Emphasis on the Principle of Sustainable Development*, *Journal of Environmental Education and Sustainable Development*, Vol.9, No.2, pp.133-146. (In Persian)

محیط زیست کشور قلمداد شود؛ رویکردی که در استان مرکزی به عنوان خاستگاه سوم کشور در حوزه تنوع زیستی و با مسائل و دغدغه‌های مختلف در حوزه آب، خاک و هوا، پیامدهای مثبت محیط‌زیستی و افزایش مشارکت‌های اجتماعی محیط‌زیستی را به همراه داشته است. بر این اساس پیشنهاد می‌شود با تقویت راهبردهای سازمانی سمن‌ها در قالب نوآوری، تشویق فعالیت‌های اقتصادی سبز و فعالیت‌های نمادین، آن‌ها را در رسیدن به اهداف خویش کمک نمایند. در این میان راهبردهای تعامل با دولت از جمله امنیت‌زدایی از فعالیت سمن‌ها، ورود سمن‌ها در نهادهای تصمیم‌ساز دولتی و حمایت‌گیری از نهادهای دولتی و مردمی موجب تسهیل دستیابی سمن‌های محیط‌زیستی به اهداف خود در توسعه پایدار محیط‌زیستی می‌شود.

با توجه به تغییر الگوی چالش‌های زیستی استان مرکزی در سه دهه اخیر، مدیریت بحران‌های محیط‌زیستی ضرورت دوچندانی یافته است، چراکه این بحران‌ها با کیفیت زندگی روزمره مردم این استان و حتی استان‌های همجوار گره خورده است. بر این اساس لازم است با بهره‌گیری از ظرفیت سمن‌ها، برنامه جامع محیط‌زیستی استان متناسب با الگوی بومی آن تدوین شود و به شکلی فراگیر اجرایی گردد.

References

1. Mirzaei Ahranjani H., and Moghimi, SM., (2003), *Providing an Ideal Organizational Model for Iranian NGOs Using Entrepreneurship Approach*, *Journal of Management Knowledge*, Vol.62, No.2, pp.101-108. (In Persian)
2. Mirzaei, M., (2018), *The Role of the National and International NGOs in Preventing Environmental Crimes*, *Journal of Crime Prevention Studies*, Vol.13, No.46, pp.133-161. (In Persian)
3. WCED (World Commission on Environment and Development),.

- International Affairs, Vol.48, No.4, pp.102-118.
19. Aesborne, D., and Gaebler, T., (1992), *Reinventing Government*, New York: Addison Wesley.
 20. Shojaei, AS., (2007), *The Role of NGOs in Sustainable Development and Tourism*, Mosaferan, Vol.40, pp.28-30. (In Persian)
 21. Scherrer, YM. (2009), *Enviromeental conservation NGOs and the concept of sustainable development*, *Journal of Business Ethics*, Vol.85, pp.555-571.
 22. Haralambos, M., and Holborn, M., (2004), *Sociology, Themes and Perspectives*, 6th Ed, London: Collins Educational Press, p.422.
 23. Giddens, A., (1984), *the Constitution of Culture*, New York: Basic Book Press.
 24. Turner, SP., and Roth PA., (2003), *The Blackwell Guide to the Philosophy of the Social Siences*, Hoboken, New Jersey: Wiley-Blackwell, pp.485, 487.
 25. Lofland, J., Snow, DA., Anderson, L., and et al., (2005), *Anlyzing SocialSettings: A Guide to Qualitative Observation and Analysis*, Belmont, CA: Wadsworth.
 26. Berg, B., (2006), *Qualitative Research Methods for the Social Sciences*, 6th ed, New York: Allyn and Becon.
 27. Morse, JM., (2001), *Situating Grounded Theory within Qualitative Inquiry*, edited by Shereiber, R., and NoeragerStern, P., *Using Grounded Theoryin Nursing*, New York: Springer Publishing Co, p.98.
 28. Strauss, A., and Corbin, J., (2011), *Qualitative Research Basics: Grounded Theory Techniques and Production Stages*, Translated by
 11. Simmons, PJ. (1998), *Learning ti live with NGOs*, *Foreign Policy*, Vol.112, pp.82-96.
 12. Safari, M., (2019), *Redressing the Environmental Injuries in Iranian Central Province: An Infrastructural Need*, IRNA News Agency, ID News: 941661. (In Persian)
 13. Dalmedico, AD., and Buffet, C., (2009), *Environment NGOs in the rasing debate of climate change*, Edited by Marty P, Devaux S. *Social Movement and Publice Action: Lessons from Enviromeental Issues*, p.11-44. Avilable at: http://www.hal.archives-ouvertes.fr/docs/00/50/30/72/pdf/2_Dahan_DalmedicoBuffet_2009_Enviromental_NGOs.pdf.
 14. Dombrowski, K., (2010), *Filling the gap? An analysis of none-governmental organizations ersponsors to participation and representation deficits in global climate governance*, *Int, Environ, Agrements*, Vol.10, pp.397-416.
 15. Ranaei, H., and Mortazavi, M., (2012), *Network Thinking in Public Affairs Management*, Tehran: The Research Center of Islamic Legislative Assembly. (In Persian)
 16. World Bank. (1995), *Working with NGOs*, World Bank, NGO Unit, p.14.
 17. Doh, JP. and Teegen, H., (2003), *Globalization and NGOs: Transfroming Business, Government and Society*, Westport, CT: Praeger Publications.
 18. Marchetti, R., (2013), *Civil Society-Government Synergy and Normative Power Italy, The International Sectator: Italian Journal of*

33. Ahmad, MM., (2002), Who cares? The personal and professional problems of NGO fieldworkers in Bangladesh, *Development in Practice*, Vol.12, No.2, pp.177-191.
34. Lewis, L., (2005), *The Civil Society Sector: A Review of Critical Issues and Research Agenda for Organizational Communication Scholars*, *Manngement Communication Quarterly*, Vol.19, No.2, pp.238-267.
35. Saatchi, M., (2007), *The Psychology of Productivity*, Tehran: Nashr-e Virayesh Institution. (In Persian)
36. Reblin, M., and Uchino. B., (2008), Social and emotional support and links to physical health, *Current Opinions in Psychiatry*, Vol.21, No.5, pp.201-205.
37. Vanleeuwen, MC., Post, WM., Van Asbek, WF., and et al., (2010), Social support and life satisfaction in spinal cord injury during and up to one year after inpatient rehabilitation. *Journal of Psychology*, Vol.4, pp.265-271.
38. Moore, M., and Stewart, S., (1998), Corporate governance for NGOs? *Development in Practice*, Vol.8, No.3, pp.335-342.
- Afshar E, Tehran: Ney Pub. (In Persian)
29. Strauss, A., and Corbin, J., (1994), *Grounded theory methodology: An overview*, Edited by Denzinin, N., and Lincoln, Y., *Handbook of Qualitative Research*, Thousand Oaks, CA: Sage.
30. Aksel, I., and Baran, M., (2009), *Organizational poblems of non-governmental Organizations (NGOs)*, p.1. Available at: <https://www.turkishweekly.net/article/159/Organizational-problems-of-non-governmental-Organizations-ngos-html>.
31. Muska, S., (1999), Are expatriate staffs necessary in international Development NGOs? A case study of an international NGO in Uganda, *Interntional Working Paper Series*, 4. London: Centre for Civil Society, London School of Economices and Political, pp.1-35. Avialiable on: <http://www.eprints.lse.ac.uk/29092/>.
32. Vilain, M., (2006), *Non-profit management-current challenges for personal management in German welfare Organization*, p.4. Available at: <http://www.istr.org/conferances/capetown/volume/Vilain.pdf>.